روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۲شنبه
۰۶ بهمن ۱۳۹۹
۱۱جمادی‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۳۰۸

عادل تبریزی، فیلم‌ساز خراسانی:

همیشه برایم هیجان فیلم‌سازی مهم بوده است



عادل تبریزی کارگردان مشهدی سینما که امسال با اولین ساخته بلند سینمایی‌اش «گیجگاه» در جشنواره فیلم فجر حضور دارد در گفت‌وگو با خبرگزاری هنرآنلاین درباره فضای فیلم کوتاه و بلند صحبت کرد. او گفت: من سینما را به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم نمی‌کنم، برای من همیشه مفهوم سینما و فیلم‌سازی مهم بوده است، از همین روی متوجه نمی‌شوم که چرا برخی می‌گویند فیلم کوتاه پلی برای رسیدن به سینمای بلند است. همیشه برایم هیجان فیلم‌سازی مهم بوده است. اگر فیلم‌نامه‌ای به ذهنم برسد یا به دست بگیرم و حس کنم مناسب است که آن را در زمان کوتاهی بسازم به‌اندازه یک فیلم بلند برای آن وقت و انرژی می‌گذارم. به این موضوع هم توجه نمی‌کنم که قرار است یک بازیگر چهره یا یک بازیگر آماتور جلوی دوربین بیاید.

او تأکید کرد: من این دسته‌بندی‌ها را قبول ندارم و برای من ماهیت سینما و فیلم‌سازی مهم است. این را از تاریخ سینمای ایران آموخته‌ام مثلا مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی و... بعد از ساخت فیلم‌های بلند خود به سراغ ساخت فیلم‌های کوتاه رفتند چون این ماهیت سینماست که نشان می‌دهد آیا یک ایده و فیلم‌نامه به‌درد فیلم کوتاه می‌خورد یا به فیلم بلند. این موضوع بستگی به میزان انرژی و هیجان فیلم‌سازی دارد، بنابراین اگر فیلم‌سازی برای کسی مهم باشد دیگر کوتاه و بلند ندارد.

نمایش یک فیلم جدید در «هنر و تجربه»



مستند «در جستجوی خانه خورشید» به کارگردانی مهدی باقری از روز گذشته اکران خود را در سینماهای هنروتجربه آغاز کرده‌است. بنا به اعلام روابط عمومی هنروتجربه، این اثر در ادامه اکران فیلم‌های جدید در سینماهای هنروتجربه پس از بازگشایی سینماها، به روی پرده رفته است.

همچنین قرار است هر روز از اکران مستند «در جستجوی خانه خورشید» به یک نفر که به دلیلی اسمش با تهران پیوند خورده، تقدیم شود. اولین روز از اکران آن نیز به زنده‌یاد حمید سهیلی مظفر مستندساز اختصاص پیدا کرد.

جایزه بهترین فیلم‌نامه «داکا» برای «جنایت بی‌دقت»



جایزه بهترین فیلم‌نامه نوزدهمین جشنواره داکا در بنگلادش به فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری رسید. به گزارش روابط عمومی پروژه، نسیم احمدپور و شهرام مکری که نویسندگی فیلم‌نامه را بر عهده داشتند، این جایزه را در بخش رقابتی جشنواره، دریافت کردند. «جنایت بی‌دقت» چند ماهی است که در انتظار دریافت مجوز نمایش در ایران است و پخش داخلی آن را شرکت نمایش گستران در اختیار دارد.

این فیلم تاکنون در فستیوال‌های بین‌المللی ونیز، ویناله، شیکاگو، مد فیلم، شارجه، توکیوفیلمکس حضور داشته و برای اکران آن در اروپا از سوی پخش‌کننده بین‌المللی برنامه‌ریزی صورت گرفته است. جایزه جشنواره داکا دومین جایزه فیلم‌نامه‌نویسی «جنایت بی‌دقت» پس از جایزه منتقدان جشنواره ونیز است. فیلم جدید مکری مضمونی مرتبط با سینما دارد و درباره تماشاگرانی است که قبل از شروع اکران فیلمی درباره آن حرف می‌زنند و با شروع نمایش بر پرده سینما، ماجرا شکل جدیدی به خود می‌گیرد.

گفت‌وگو با سیدمهدی زرقانی درباره کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» اثر ستوده شده در جایزه ادبی «جلال آل احمد»

پنجره‌ی گشوده؛ برای خودشناسی فرهنگی

لیلا کوچک‌زاده
l.kouchakzadeh@shahraranews.ir

گفت و گو

«تاریخ بدن در ادبیات» اثر شایسته تقدیر در بخش «نقد ادبی» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، پژوهشی گروهی و بینارشته‌ای است که به بازنمایی بدن در ژانرهای مختلف ادبیات کلاسیک ایران می‌پردازد و از این طریق، راهی برای آگاهی از جهان‌بینی‌ها، دغدغه‌ها، آرزوها و دیدگاه‌های انسان ایرانی، پیش پای پژوهشگران می‌گذارد. در مقدمه کتاب آمده که جهان از طریق بدن، نمادپردازی و معنادار می‌شود. بدنی که به عنوان گسترده‌ترین و مهم‌ترین پدیده مادی، همه عمر با آن سر و کار داریم و پرداختن به بدن، به نوعی پرداختن به تمام وجود آدمی است. این پژوهش، نوشته سیدمهدی زرقانی استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد است که نشر سخن آن را در سال ۱۳۹۸و در ۴۴۶صفحه منتشر کرده است. زرقانی در این کتاب از همراهی زهرا آقابابایی، امید ایزانلو، فاطمه جهانپور، حمید خادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر که گروهی از نویسندگان و پژوهشگران شهرهای مختلف ایران هستند، بهره برده است.

این پژوهشگر، همچنین صاحب آثاری همچون «تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی»، «بوطیقای کلاسیک»، «نظریه ژانر» (مشترک با محمودرضا قربان‌صباغ) و «چشم‌انداز شعر معاصر ایران» و ... نیز هست. در ادامه،

گفت‌وگوی ما با سیدمهدی زرقانی درباره ویژگی‌های کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» و اهمیت دانستن درباره بازنمایی بدن در ادبیات کلاسیک فارسی، پیش روی شماست.



در مقدمه کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» بیان شده که مطالعات بدن در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناختی مرسوم است اما مطالعات ادبیات فارسی از این منظر، کاری کم‌سابقه بوده است. با این توضیح، شما در این کتاب چه هدف‌هایی را دنبال می‌کردید؟

قبل از هر چیز عرض کنم با اینکه من چند بار با دیگر مطبوعات درباره کتاب تاریخ بدن در ادبیات صحبت کرده بودم و بیم آن می‌رفت که بخشی از سخنانم تکراری شود اما چون این مصاحبه برای روزنامه شهرم مشهد انجام می‌شود، با اشتیاق آن را پذیرفتم. از این نکته که بگذریم باید عرض کنم مطالعات بدن در مغرب‌زمین بیش از صد سال عمر دارد اما در ایران چند سالی است که کم و بیش محققان به این موضوع مهم روی آورده‌اند. کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که پیش از کتاب ما منتشر شده یا در یک‌سالی که از انتشار اثر می‌گذرد عرضه شده‌اند، نشانه‌های روشنی است از جدی شدن مطالعات بدن در نظر محققان ایرانی. اما در این کتاب دو هدف عمده را دنبال می‌کنیم. نخست اینکه محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، از روان‌شناسان گرفته تا جامعه‌شناسان و فیلسوفان و دیگر طیف‌ها را متوجه قابلیت‌های متعدد گنجینه ادبیات فارسی کنیم و نشان دهیم که چطور می‌توان با رویکردهای نوین و با استفاده از دانش‌های زمینه‌ای مختلف به سراغ این میراث عظیم بشری رفت و افق‌هایی به روی چشم خود و دیگران گشود؛ دیدنی و آموختنی. ادبیات هر ملتی، عصاره تجارب زیسته و دانش انباشته نسل‌های پی‌درپی‌ای است که در طی سده‌ها زیسته و یافته‌های خودشان را در قالب نوشتارها ضبط و ثبت کرده‌اند. دغدغه‌ها، ترس‌ها، آرزوها، باورها و جهان‌بینی‌های هر قوم را می‌توان در ادبیات آن قوم سراغ جست. این کتاب در وهله نخست فراخوانی است به محققان علوم انسانی که به ادبیات و فرهنگ ایران‌زمین، چنان‌که شاید و باید، توجه کنند؛ دعوتی است برای نشستن بر سر سفره‌ای که محتوای آن را ده‌ها، صدها و هزاران نویسنده و شاعر در قرون و اعصار فراهم آورده‌اند و سرشار است از حکمت‌ها و تجربه‌ها و نکته‌ها و دقیقه‌ها. این هدف نخست ماست.

و اهداف دیگر شما؟

هدف دوم ما معطوف به درون‌متن بود. چنان‌که در مقدمه کتاب نیز آمده، «بدن، سطحی است که رخدادها بر آن نقش می‌بندند». ما از طریق مطالعه بازنمایی بدن در ادبیات کلاسیک، با طرز نگاه اجدادمان به خود و به جهان آشنا می‌شویم. زیرا هر گونه دریافت آن‌ها از خودشان و جهانشان، از عالم ماده گرفته تا عالم غیب، در بدن، با بدن و به وسیله بدن صورت گرفته است. ما بدون بدن، هیچ ادراک و دریافتی از خود و دیگری نداریم و هر شناختی و حسی و دریافتی از خود و دیگری تنها به واسطه بدن و پس از عبور از صافی بدن امکان‌پذیر است. بنابراین، اگر بدن را ابژه مرکزی تحقیقی در ادبیات فارسی قرار دهیم، می‌توانیم به بسیاری نکته‌ها درباره طرز فکر و حس ایرانیان نزدیک شویم و با طرز تلقی آن‌ها از همه آنچه که در بیرون و درونشان می‌گذشته، آشنا شویم؛ می‌توانیم حدس بزنیم آن‌ها چگونه می‌اندیشیده‌اند، چگونه احساس و قضاوت می‌کرده‌اند و درمی‌یابیم جهان‌بینی آن‌ها چگونه بوده و دغدغه‌ها و آرزوها و آمال و ترس‌ها و اضطراب‌هایشان چه بوده‌است. هدف ما، تا حد امکان، ترسیم ذهنیت بدنمندانه ایرانیان بود، تا آنجا که در نوشتارهای مورد بررسی ما بازنمایی شده بود. ما هم‌چنین به دنبال این هم بودیم که ببینیم تحولات مختلف اجتماعی و فرهنگی و تغییرات گفتمانی و پارادایمی چه تغییری در بدن‌آگاهی ایرانیان ایجاد کرده‌است. به تعبیر دیگر، آیا نوع نگاه و تفسیر آن‌ها در سرتاسر دوره باستان و کلاسیک به بدن تغییر یافته و اگر پاسخ مثبت است، آن تغییرات چیست و چگونه است. مطالعه بدن، تنها راه شناخت انسان ایرانی (مقصود ایران فرهنگی است، نه ایران سیاسی) نیست اما یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت فرهنگ قومی، مطالعات بدن است، با همه گستردگی و عمقی که دارد. ممکن است بگویید، شناخت گذشته، چه مشکلی از انسان امروز حل می‌کند؟ با شناخت «گذشته» و اشراف بر آن، می‌توان «حال» را ساخت و برای «آینده» بهتر برنامه‌ریزی کرد. شناخت گذشته بد نیست، در گذشته ماندن ناپسند است.

> در مقدمه کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» بیان شده که مطالعات بدن در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناختی مرسوم است اما مطالعات ادبیات فارسی از این منظر، کاری کم‌سابقه بوده است

کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» در ۱۰فصل و با همکاری گروهی از نویسندگان نوشته شده است. درباره روند تنظیم کتاب توضیح می‌دهید؟

فصل اول، که مشتمل بر مبانی نظری کتاب است و فصل ژانرهای عارفانه، عاشقانه و حماسی نوشته من است. منتها، چنان‌که در مقدمه کتاب هم خاطرنشان کرده‌ام، دانشجویانم در دانشگاه فردوسی مشهد در استخراج ابیات و شاهدمثال‌ها یار و همراه همیشگی من بوده‌اند و اگر مساعدت و همیاری آن‌ها نمی‌بود، نمی‌دانم نوشتن این کتاب چند سال دیگر به طول می‌انجامید. همین‌جا از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. متأسفانه امکان ذکر نام یکایک آن‌ها، نه در کتاب فراهم بود و نه اینجا. فصل‌های دیگر کتاب نتیجه کار مشترک من با یکی از نویسندگانی است که نامشان در پشت جلد آمده است. هر کدام از نویسندگان که در حوزه ژانری خود متخصص بودند، پس از مطالعه فصل اول کتاب، که مشتمل بر مبانی نظری بود، مواد لازم را از متون مختلف نظم و نثر استخراج می‌کردند تا در ابتدا به پیکره متنی اعتمادپذیری برسیم. سپس نوشتن تحلیل بر متون آغاز می‌شد و پس از چند بار آمد و شدِ متن میان من و نویسنده هر فصل، سرانجام آن فصل صورت نهایی خودش را پیدا می‌کرد. گرچه کتاب نویسندگان متعدد دارد و هر فصل هم از استقلال نسبی برخوردار است اما نباید تصور کنیم، کتاب مجموعه مقالات یا مجموعه ایده‌های پراکنده است بلکه فکر واحدی بر کلیت کتاب حاکم است و در مسیر فصل‌ها پیش می‌رود و چونان نخ تسبیح آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌سازد. بدین ترتیب، فصل‌ها در عین «استقلال نسبی»، با یکدیگر وابستگی و پیوستگی دارند. مثلاً اگر فصل دوم به بازنمایی بدن در ژانرهای پیشااسلامی اختصاص یافته، در فصل‌های بعدی ما به دنبال این هم بوده‌ایم تا ببینیم ذهنیت بدنمندانه ایرانیان در دوره اسلامی چه ارتباطی با تلقی ایرانیان باستان از بدن دارد؟ از کنار هم نشستن فصل‌هایی، که هر کدام به یکی از ژانرهای مهم اختصاص یافت، کلیت کتاب شکل گرفت.

فصل اول کتاب، مبانی نظری و کلیات با عنوان «رویکردها و بدن‌ها» ست و در فصل‌های بعدی، بدن در ژانرهای پیشااسلامی، عربی، علم‌الجمالی، عاشقانه، هجو، حماسی، کلام، عرفانی و نگاره‌های دوره اسلامی، بررسی شده است. تفاوت بین ژانرهای کتاب در بازنمایی بدن انسان چیست؟

ما ابتدا پذیرفتیم که بدن در همه ژانرهای کلاسیک و مدرن بازنمایی شده و اصلا امکان ندارد شما ژانری در ادبیات پیدا کنید که در آن نمود و نمادی از بدن وجود نداشته باشد. تفاوت در این است که در هر کدام از ژانرها یا گونه‌های نوشتاری، بدن متناسب با اقتضائات و شرایط همان ژانر بازنمایی شده‌است. پیشینیان ما با رویکردهای متفاوت به بدن نگریسته‌اند، از رویکردهای زیست‌شناسانه گرفته تا جمال‌شناسانه، جنسیتی، فقهی، عرفانی، فلسفی، سیاسی، متافیزیکی و انواع دیگر که در کتاب مفصل درباره آن‌ها سخن گفته‌ایم. منتها هر ژانری اقتضائات خاص خودش را دارد و طبیعتا برخی از رویکردها در آن فصل برجسته‌تر شده‌است. مثلا در حالی‌که در ژانرهای عاشقانه، رویکردهای سیاسی و اجتماعی و عقیدتی به بدن وجود دارد، بدیهی است که رویکرد جمال‌شناسانه در آن برجسته‌تر است و در این خانواده ژانری با «بدن زیبا» روبه‌رو می‌شویم، در حالی‌که اقتضای ژانر هجو تأکید بر «بدن زشت» و از فرم افتاده است و یا در ژانر حماسی، بازنمایی «بدن سیاسی» مهم‌تر است. بنابراین، هر فصل کتاب تصویری متفاوت از بازنمایی بدن را ارائه می‌دهد که در آن

متن و حاشیه؛ پژوهش تازه و خلاقانه

زهرا آقابابایی
پژوهشگر و استادیار ادبیات فارسی
دانشگاه پیام نور اصفهان

یادداشت

هشتم آذر ۱۳۹۵ بود که رایانامه‌ای از دکتر سید مهدی زرقانی دریافت کردم که در آن گفته بود یکی از مقالاتم را درباب زیبایی پیکرین خوانده و از همین روی پیشنهاد کرده بود که در صورت تمایل به پژوهشی گروهی برای تدوین کتابی با موضوعی مشابه بپیوندم. شناخت نزدیکی از دکتر زرقانی نداشتم؛ آشنایی من درباره او، بیشتر از مسیر کتاب‌های ایشان و کارگاه دوروزه‌ای حاصل شده بود که در دانشگاه آزاد نجف‌آباد اصفهان برگزار شده بود. اما گویی همین میزان شناخت، برای دستیابی به اعتماد و وارد شدن در یک پژوهش گروهی گسترده و درازدامن کفایت می‌کرد. دیگر اعضای این پژوهش را هم نمی‌شناختم؛ حتی امروز هم در ذهنم نام فاطمه جهانپور با بازنمایی بدن در ژانرهای پیشااسلامی، امید ایزانلو با بررسی بدن در شعر عربی، حمید خادمی با نگاه به بدن در هجویه‌ها، محسن شرفایی با بازنمایی بدن در علم کلام و فرزانه فرخ فر با بدن در نگارگری‌ها گره خورده است؛ البته راهی هم برای تشکیل جلسه‌های حضوری نداشتیم؛ خراسان کجا و اصفهان کجا؟ اگر امروز دنیای مجازی به واسطه بیماری قرن، این دهکده جهانی هم‌درد را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است، در چهارسال پیش تصور پرداختن به پژوهشی جدی و گسترده از مسیر کانال‌های مجازی که آن روزها هم بیشتر محدود به تلگرام و فیس‌بوک و اینترنت نسل دو و سه می‌شد به نظر شبیه به شوخی می‌آمد. از همین روی است که به گمان من روند تدوین این کتاب دربردارنده حاشیه‌ای است که گاه با متن برابری می‌کند؛ شیوه پژوهش اثر در روزگار خود تازه و خلاقانه بود و در پس‌زمینه خود نویددهنده کنش‌ها و گفتمان‌های تازه. اینکه آدم‌های این گروه بدون دیدار با یکدیگر یا آشنایی نزدیک با هم چگونه به هم اعتماد کرده، خود را در یک فضای فکری قرار دادند و در برهه‌ای مشخص بر گفتمانی تازه تمرکز کردند، می‌تواند نویدبخش افق‌های اجتماعی تازه‌ای در روزگار ما باشد. آدم‌هایی در زمانه‌ای سخت توفان‌خیز که توانستند به یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های اجتماعی که براساس قاعده باید برایند فضایی ایده‌آل و مطلوب زیست باشد، دست یابند؛ ما به «اعتماد» دست یافتیم. گنجی شایگان که اگر همگانی شود با خود صلح و امنیت و پیشرفت را به ودیعه می‌آورد و صد البته ابتکار عمل و مدیریت پژوهشی دکتر زرقانی واسطه‌العقد حلقه‌های این زنجیره بود. بنابراین فضای گفتمان پژوهش در تلگرام که آن روزها هنوز فیلتر نشده بود شکل گرفت و بخشی از مراحل پژوهش، از جمله کتاب‌شناسی هم در همان گروه تلگرامی صورت می‌گرفت. به طور نمونه در آن مراحل اولیه که راه بر پژوهشگران چندان روشن نبود هرکس به فراخور مطالعات خویش منبعی را معرفی می‌کرد و در گروه تلگرامی به اشتراک می‌گذاشت؛ آن‌چنان‌که به اعتقاد بنده هنوز بعد از گذشت ۴سال، منابع معرفی‌شده در این گروه آن‌قدر هست که بتواند پایگاه کتاب‌شناسی مناسبی برای مطالعات مربوط به بدن باشد.

بدن آدمی نخستین و دم دست‌ترین پدیده در زندگی اوست. انسان و زندگی، بدون بدن تصورنشدنی است. از همین روی در درک و دریافت‌های آدمی هم همواره بدن نقشی محوری بازی می‌کند؛ با وجود تحقیقات گسترده در باب بدن در فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و به‌طورکل علوم انسانی، مطالعات بدن در ایران هنوز نوپاست؛ خصوصا اینکه این مهم در فضاهای آکادمیک هنوز جدی گرفته نشده است. کتاب تاریخ بدن در ادبیات یکی از تازه‌ترین پژوهش‌ها در این باب و «از نخستین آثاری است که با عینک مطالعات بدن به سراغ ادبیات می‌رود»(تاریخ بدن در ادبیات، ص ۱۷)

اما کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» که در سال ۱۳۹۹اثر شایسته تقدیر در بخش «نقد ادبی» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد انتخاب شد، حاصل پژوهشی گروهی